

نهاد تسلیم کالای جانشین در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و تطبیق آن با حقوق ایران

فخرالدین اصغری آقمشهدی*

حسین کاویار**

چکیده

در عقد بیع، اعم از داخلی یا بین‌المللی، فروشنده باید کالای مطابق با قرارداد را به مشتری تسلیم کند. چنانچه بایع از تعهد تسلیم کالای مطابق، تخلف ورزد، برای مشتری ضمانت‌اجراهایی وجود دارد. یکی از این ضمانت‌ها که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در اختیار مشتری قرار می‌گیرد، درخواست تسلیم کالای جانشین است. بند ۲ ماده ۴۶ کنوانسیون در راستای احترام به قرارداد و تضمین بقای آن، برای مشتری زیان‌دیده این حق را قائل است تا درخواست اجرای تعهد را در قالب اخذ کالای جانشین از بایع بخواهد. در حقوق ایران با استقرا در مواد قانون مدنی و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸)، نهاد تسلیم کالای جانشین به مفهومی که در کنوانسیون آمده وجود ندارد و حسب نوع مبیع (کلی فی‌الذمه یا عین معین) متفاوت است.

بررسی نهاد تسلیم کالای جانشین در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین) و حقوق ایران محور مطالعه این نوشتار است. گرچه ایران تاکنون به کنوانسیون مزبور ملحق نشده است، مقایسه آن دو مفید است و در صورت الحاق ایران به کنوانسیون، می‌تواند راهگشا باشد.

واژگان کلیدی

مطابقت کالا، تسلیم کالای جانشین، عین معین، عین کلی، کنوانسیون وین

f.asgharia@umz.ac.ir

h.kaviar@umz.ac.ir

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران

مقدمه

در عقد بیع یکی از تعهدات بایع، تسلیم کالا به مشتری است. این تکلیف در ماده ۳۰ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (مصوب ۱۹۸۰ وین)^۱ آمده است: «بایع مکلف است به ترتیبی که در قرارداد و این کنوانسیون مقرر شده است، کالا را تسلیم کند، هرگونه مدرک مربوط به کالا را تحویل نماید و مالکیت کالا را انتقال دهد».^۲ مشتری در قبال ثمنی که می‌پردازد، انتظار دارد کالایی سالم و مطابق با اوصاف قرارداد به او تسلیم شود. این امر در بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است: «بایع باید کالایی را تسلیم نماید که دارای مقدار و کیفیت و وصف مقرر در قرارداد باشد و نیز به همان ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است، بسته‌بندی یا ظرف‌بندی شده باشد». در صورت تخلف بایع، مشتری می‌تواند به ضمانت‌اجراهای زیر متوسل شود:

الف) درخواست اجرای اجباری قرارداد (ماده ۴۶) که شامل موارد زیر می‌شود:

- اجرای عین قرارداد (بند ۱ ماده ۴۶)؛

- تسلیم کالای جانشین (بند ۲ ماده ۴۶) و

- تعمیر کالا (بند ۳ ماده ۴۶).

ب) درخواست جبران خسارت (قسمت ب بند ۱ ماده ۴۵)؛

ت) فسخ قرارداد (ماده ۴۹) و

ث) درخواست تقلیل ثمن (ماده ۵۰).

مقاله حاضر، از بین ضمانت‌اجراهای فوق، تنها به بررسی تسلیم کالای جانشین در کنوانسیون پرداخته و سپس با نگاه و تأملی تازه و با تکیه بر مبانی و پیشینه فقهی موضوع و ملاحظه واقعیات و نیازهای اقتصادی و حقوقی جامعه، جایگاه این بحث در حقوق ایران که خالی از ابهام نیست، مورد تبیین قرار می‌گیرد.

ضرورت بحث از آنجا نشأت می‌گیرد که حقوق ایران برای پیوستن به کنوانسیون، نیازمند این است که از پیش، نقاط اشتراک و افتراق خود را با آن، مورد مطالعه و بررسی قرار داده و برای رفع موانع الحاقی، چاره‌اندیشی کند.

بر این اساس، مطالب این نوشتار در دو مبحث ارائه می‌شود: در مبحث نخست، رویکرد کنوانسیون به نهاد تسلیم کالای جانشین مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در مبحث دوم، موضع حقوق ایران در این باره بررسی می‌شود.

1. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) [CISG].

از این به بعد، جهت رعایت اختصار، به ذکر «کنوانسیون» اکتفا می‌شود.

۲. ترجمه مواد کنوانسیون در این مقاله برگرفته از ترجمه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی مندرج در مجله حقوقی (ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۶۷، صص ۲۳۵-۲۸۵) است.

۱. تسلیم کالای جانشین در کنوانسیون ۱۹۸۰ وین

بند ۲ ماده ۴۶ کنوانسیون، این حق را برای مشتری قائل شده است که در صورتی که کالای تسلیم شده به وی مطابق با اوصاف قراردادی نباشد، از بایع درخواست تعویض کالا را کند. در این ماده چنین آمده است: «هرگاه کالا منطبق با قرارداد نباشد، مشتری در صورتی می‌تواند تسلیم بدل آن را درخواست نماید که مغایرت کالا متضمن نقض اساسی قرارداد باشد و درخواست بدل کالا از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقوله پس از آن صورت گیرد».

این ماده از مصادیق اجرای اجباری عین قرارداد^۴ است و در جایی اعمال می‌شود که بایع کالا را تسلیم مشتری کرده است اما کالا مطابق با اوصاف و شرایط معهود طرفین نیست.^۵ بنابراین تسلیم کالای جانشین به معنای تسلیم کالای ناقص است و به دلیل همین نقص، تسلیم مجدد باید صورت گیرد تا جایگزین تسلیم نخست شود. در جایی که مشتری «قبل از تسلیم»، کالای ناقص را نپذیرد و از بایع بخواهد که کالای مطابق را تسلیم کند، بند ۲ ماده ۴۶ قابل اجرا نیست بلکه بند ۱ ماده ۴۶ اعمال می‌شود. حق مشتری به درخواست تسلیم کالای جانشین، منعکس‌کننده یکی از اهداف کنوانسیون در «احترام به قرارداد»^۶ است.^۷ نهاد تسلیم کالای جانشین، این فرصت را به مشتری می‌دهد تا به تعهدات بایع اعتماد کند و از او تسلیم مجدد کالا را درخواست کند. با این حال، خریدار هنگامی مختار است به تسلیم کالای جانشین متوسل شود

3. Specific Performance

۴. باید یادآور شد که مطابق مواد ۲۸ و ۴۶ کنوانسیون، چنانچه قانون متبوع کشور دادگاه رسیدگی کننده به پرونده اجرای اجباری، قرارداد را تجویز کند، خریدار حق دارد اجرای اجباری قرارداد را بخواهد (جمعی از نویسندگان؛ تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ترجمه مهرباب داراب‌پور، جلد ۲، گنج دانش، ۱۳۳۴، ص ۱۷۰). اجرای اجباری عین قرارداد مشتمل بر دو فرض است: نخست هنگامی که اساساً کالا تسلیم نشده است و دیگری موردی که کالا تسلیم شده ولی منطبق با اوصاف مورد توافق نیست. اجرای اجباری قرارداد در فرض نخست به شکل الزام طرف مقابل به تسلیم اصل کالا (بند ۱ ماده ۴۶) و در حالت دوم نیز به دو صورت الزام به تسلیم کالای جانشین (بند ۲ ماده ۴۶) و تعمیر کالا (بند ۳ ماده ۴۶) انجام می‌گیرد. بنابراین محدودیت و شرط مندرج در ماده ۲۸ در مورد اجرای عین قرارداد، شامل همه این فروض می‌شود و نمی‌توان ادعا کرد که کنوانسیون، تقاضای کالای جانشین و تعمیر را ضمانت‌اجرایی متمایز از اجرای اجباری قرارداد تلقی کرده است؛ چیزی که ممکن است با تکیه بر ظاهر بندهای سه‌گانه ماده ۴۶ استنباط شود زیرا اجرای قرارداد را در بند اول آورده و به تقاضای کالای جایگزین یا تعمیر کالا به صورت مستقل و جداگانه در دو بند دیگر اشاره کرده است. در حالی که به نظر می‌رسد بهتر بود مفاد بند ۲ و ۳ نیز در بند ۱ می‌آمد یا بندهای مزبور را در توضیح بند نخست اشاره می‌کرد نه مستقل از آن (میرزائزاد، اکبر؛ «تأثیر درخواست تعمیر کالا از سوی فروشنده در اعمال حق فسخ خریدار»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، سال اول، ش اول، تابستان ۱۳۸۵، صص ۸۸-۸۹).

5. Honnold, John. O. *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International, 3rd Edition, 1999, p.307.

6. Schlechtriem, Peter. *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition, 1998, p.383.

7. *Pacta Sunt Servanda* (or the Sanctity of Contract).

8. Bianca, Cesare Massimo, and Bonell, Michael Joachim, *Commentary on the International Sales Law: The 1980 Vienna Sales Convention*, Milan: Giuffrè, 1st Edition, 1987, p.336.

که نقض اساسی قرارداد صورت گرفته باشد. اگر نقض اساسی صورت نگرفته باشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه متوسل به طریقه جبران خسارت از طریق تقاضای تعمیر شود.^۹ در ادامه، شرایط لازم برای توسل خریدار به تسلیم کالای جانشین بررسی می‌شود:

۱-۱. شرایط درخواست تسلیم کالای جانشین

درخواست تسلیم کالای جانشین باید دارای چهار شرط به شرح ذیل باشد:

الف. عدم انطباق کالای تسلیم‌شده با قرارداد

بند ۲ ماده ۴۶ صرفاً زمانی قابل اجراست که کالای تسلیمی مطابق با قرارداد نباشد. کالای تسلیمی زمانی با قرارداد مطابق نیست که دارای مقدار، کیفیت و اوصاف مقرر در قرارداد نباشد و نیز به ترتیب مقرر در قرارداد، بسته‌بندی نشده باشد (بند ۱ ماده ۳۵). عدم انطباق کالا شامل کالای معیوب، کالای متفاوت، نقص در بسته‌بندی و نقص در کمیت می‌شود.^{۱۰} بند ۲ ماده ۳۵ در ادامه، مواردی را بیان می‌کند که کالا منطبق با قرارداد نیست و توافقی هم در این خصوص صورت نگرفته است اما قانون بنا به جهاتی کالا را منطبق با قرارداد محسوب می‌کند. بند ۳ ماده ۳۵، عدم مسئولیت بائع را در فرضی مطرح می‌کند که مشتری در زمان انعقاد، نسبت به عدم انطباق آگاه بوده یا نمی‌توانسته ناآگاه باشد. در رابطه با شرط عدم انطباق کالا، ذکر چند نکته لازم است:

(۱) عدم انطباق حقوقی

مفسرین کنوانسیون، مطابقت کالا با قرارداد را به «مطابقت مادی» و «مطابقت حقوقی» تقسیم کرده‌اند. مطابقت مادی کالا با قرارداد، چنان‌که از بند ۱ ماده ۳۵ برداشت می‌شود عبارت است از انطباق کالا با قرارداد از لحاظ مقدار، کیفیت و اوصاف. منظور از مطابقت حقوقی کالا با قرارداد این است که بائع باید کالایی تسلیم مشتری نماید که از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث، بری باشد.^{۱۱} لزوم انطباق حقوقی کالا با قرارداد در ماده ۴۱ کنوانسیون آمده: «بائع باید کالایی را که مصون از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث است، تسلیم نماید».

۹. جمعی از نویسندگان؛ همان، ص ۱۷۴.

10. *UNCITRAL Digest of case law on the United Nations Convention on the International Sale of Goods*, (2004), A/CN.9/SER.C/DIGEST/CISG/46.

۱۱. اصغری آقمشهدی، فخرالدین و فرشته اسکندری؛ «مطابقت حقوقی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، *حقوق مدنی تطبیقی*، به قلم گروهی از نویسندگان، چاپ دوم، سمت، ۱۳۸۸، ص ۲۰.

سؤال این است که آیا بند ۲ ماده ۴۶، شامل فرضی نیز می‌شود که کالا عدم انطباق حقوقی دارد؟ برخی مفسرین کنوانسیون معتقدند که ماده ۴۶، شامل این فرض هم می‌شود.^{۱۲} اما نظر غالب بر این است که در این فرض، عدم انطباق مذکور در بند ۲ ماده ۴۶ صادق نیست.^{۱۳} علت آن را هم می‌توان از نص کنوانسیون استنباط کرد: اولاً، عنوان بخش دوم از مبحث دوم فصل سوم کنوانسیون، بین مطابقت کالا از یک سو و ادعاهای شخص ثالث از سوی دیگر، تمیز قائل شده است. در نتیجه، هر یک از این دو، احکام جداگانه‌ای دارد. مواد ۳۵ و ۴۰ کنوانسیون به مطابقت مادی کالا مربوط است و مواد ۴۱ و ۴۳ به مطابقت حقوقی. ثانیاً، مهلت مذکور در بند ۲ ماده ۴۶ به اخطار موضوع ماده ۳۹ ارجاع می‌دهد و این ماده به‌موجب مواد ۳۵ و ۳۷ فقط در مورد عدم انطباق مادی اعمال می‌شود. برای ادعاهای شخص ثالث، اخطار جداگانه‌ای در ماده ۴۳ ذکر شده است. در نتیجه، کالایی که به‌موجب ماده ۴۱ مورد حق یا ادعای ثالث باشد، مشمول بند ۲ ماده ۴۶ کنوانسیون نمی‌شود.

البته اگر مبیع کلی بوده و کالایی که تسلیم مشتری می‌شود مورد ادعای ثالث باشد، به نظر می‌رسد که مشتری بتواند اجبار فروشنده را به تسلیم کالایی از همان نوع که رها از حق یا ادعای ثالث باشد بخواهد و این نه بر مبنای بند ۲ ماده ۴۶ بلکه بر اساس بند ۱ ماده ۴۶ است. اما اگر مبیع عین معین باشد، درخواست کالای جانشین ممکن نیست اعم از اینکه عدم انطباق، مادی باشد یا حقوقی.^{۱۴}

۲) تسلیم [یا مطابقت] جزئی

اگر بایع، قسمتی از مبیع را تسلیم کند یا کل مبیع را تسلیم کند ولی تنها قسمتی از آن مطابق با قرارداد باشد، طبق ماده ۳۵، کالا مطابق با قرارداد نیست. حال سؤال این است که با توجه به بند ۱ ماده ۵۱ که مقرر می‌دارد: «در صورتی که بایع تنها قسمتی از کالا را تسلیم کند یا تنها قسمتی از کالای تسلیم‌شده مطابق قرارداد باشد، مواد ۴۶ تا ۵۰ نسبت به بخشی که تسلیم نشده یا منطبق با قرارداد نیست، اعمال خواهد شد»، آیا مشتری می‌تواند تسلیم کالای جانشین را از بایع خواستار شود (بند ۲ ماده ۴۶) یا باید الزام بایع را به ایفای تعهد ناقص بخواهد (بند ۱ ماده ۴۶)؟ در پاسخ باید گفت، بند ۱ ماده ۴۶ نسبت به مبیع تسلیم‌نشده اعمال می‌شود. برای مثال اگر

12. Enderlein, Fritz et al, *Internationales Kaufrecht*, Berlin: Haufe Pub, 1st Edition, 1991, p.210; Bianca, Bonell, *Commentary on the International Sales Law: The 1980 Vienna Sales Convention*, Milan: Giuffrè, 1st Edition, 1987.

13. Honnold, John. O. *Documentary History of the Uniform Law for International Sales*, The Hague: Kluwer Law International Pub, 1989, p.280; Schlechtriem, Peter, Butler, Petra, *UN Law on International Sales*, Berlin: Springer Pub, 1st Edition, 2009, p.141.

۱۴. صفایی، حسین، مرتضی عادل، محمود کاظمی و اکبر میرزائزاد: حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و مقایسه آن با مقررات بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۴۰-۲۴۱.

بایع ۸۰ دستگاه خودرو را به جای ۱۰۰ دستگاه خودرویی که بدان متعهد شده بود، تسلیم مشتری کند، مشتری هنگام اعمال ماده ۴۶ تنها باید به ۲۰ دستگاه خودروی تسلیم‌نشده توجه کند. بنابراین، درخواست مشتری به اجرای قرارداد، موکول به شرایط مذکور در بند ۲ ماده ۴۶ نیست بلکه وی تنها می‌تواند بر مبنای بند ۱ ماده ۴۶ اجرای عین قرارداد را نسبت به مقدار تسلیم‌نشده درخواست کند.^{۱۵} این نظر در رویه قضایی نیز تأیید شده است.^{۱۶}

ب. تحقق نقض اساسی

دومین شرط از شرایط درخواست تسلیم کالای جانشین عبارت است از اینکه «مغایرت کالا متضمن نقض اساسی قرارداد باشد». نقض اساسی قرارداد^{۱۷} در ماده ۲۵ کنوانسیون این‌گونه تعریف شده است: «در نقض قرارداد توسط یکی از طرفین، هنگامی نقض اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود چنان خسارتی به طرف دیگر شود که او را به‌طور عمده از آنچه استحقاق انتظارش را به‌موجب قرارداد داشته است، محروم کند مگر اینکه طرفی که مبادرت به نقض قرارداد نموده است چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در اوضاع و احوالی مشابه، نمی‌توانست آن را پیش‌بینی کند».

نقض اساسی دارای این خصوصیت است که اجازه ابطال قرارداد را می‌دهد و برای اجتناب از ابطال و بالابردن شانس اجرای قرارداد است که ماده ۴۶ امکان تسلیم بدل کالا را پیش‌بینی کرده است. اگر مشتری با استناد به حقوقی که بند ۲ ماده ۴۶ برایش قائل است، برای گرفتن کالای جانشین به قاضی مراجعه کند، مقررات ماده ۲۸ قابل اجراست زیرا این مراجعه به‌منظور اخذ حکم جهت اجرای عین تعهد صورت می‌گیرد.^{۱۸}

تفاوت بین نقض اساسی و نقض غیراساسی در ارتباط با تسلیم کالای غیرمطابق، مهم‌ترین شرط برای متوسل شدن خریدار به ضمانت اجرای تسلیم کالای جانشین است.^{۱۹} با توجه به تعریف ماده ۲۵، نقض هنگامی اساسی است که به یکی از عناصر و ارکان اصلی قرارداد در اثر عدم اجرا

15. DiMatteo, Larry. A., Dhooge, Lucien. J., Greene, Stephanie., G. Maurer, Virginia., Pagnattaro, Marisa. Anne. *International Sales Law: a Critical Analysis of CISG Jurisprudence*, New York: Cambridge University Press, 1st Edition, 2005, p.134; Flechtner, Harry. M. "Remedies under the New International Sales Convention: The Perspective from Article 2 of the U.C.C.", *Journal of Law and Commerce*, vol. 8, 1988, pp. 86-87; Honnold, John. O. *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International, 3rd Edition, 1999, p.308.

16. ن.ک: پرونده موسوم به Wall Tiles (1991) مندرج در سایت <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/910814g1.html>

17. Fundamental Breach.

18. پلاننار، ژان پی‌یر؛ «حقوق جدید متحدالشکل بیع بین‌المللی»، ترجمه: ایرج صدیقی، *مجله حقوقی*، ش ۱۴ و ۱۵، بهار و زمستان ۱۳۷۰، ص ۳۳۶.

19. Schlechtriem, Peter, *Uniform Sales Law - The UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Vienna: Manz Pub, 1st Edition, 1986, p.75.

خلل وارد آید. به‌کارگیری دو واژه معادل «اساسی» و «عمده»، گویای این معناست که نقض در صورتی اساسی محسوب می‌شود که به اساس قرارداد و هدف اقتصادی موردنظر طرفین لطمه شدیدی وارد سازد، خواه مربوط به تسلیم کالا باشد یا پرداخت ثمن. به تعبیر دیگر، یک یا چند عاملی که در ایجاد اراده و قصد طرفین به هنگام انعقاد عقد بیع، تأثیر قاطع و تعیین‌کننده داشته‌اند، از بین برود. خسارت نیز باید به طور موسع تعبیر و تفسیر شود یعنی هر آنچه منجر به زوال منافع عمده طرف مقابل در اجرای قرارداد می‌شود.^{۲۰}

دادگاه فدرال آلمان در مورد اینکه «چه چیزی نقض اساسی قرارداد است؟» در دو رأی^{۲۱} در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ مقرر داشت که اگر مشتری بتواند بدون زحمت غیرمتعارف، از کالا استفاده کند یا حتی کالا را با تخفیف بازفروش کند، عدم انطباق ناشی از کیفیت، نقض اساسی قرارداد محسوب نمی‌شود.^{۲۲} برای مثال، تسلیم گوشت منجمد که مقدار زیادی چربی و آب دارد (طبق نظر کارشناس، ارزش آن ۲۵٪ از گوشتی که در قرارداد ذکر شده بود، کمتر است)، نقض اساسی قرارداد نیست زیرا مشتری می‌توانست گوشت را با قیمتی کمتر بفروشد یا آن را به طریقی دیگر استفاده کند.^{۲۳} نهایت امر، اگر کالای غیرمطابق قابل استفاده یا بازفروش به شیوه‌ای متعارف نبود، نقض اساسی قرارداد محسوب می‌شود.^{۲۴} همچنین اگر کالای غیرمطابق، قابل تعمیر و اصلاح باشد، عدم انطباق، نقض اساسی قرارداد نخواهد بود.^{۲۵}

محدودیت درخواست کالای جانشین به موارد نقض اساسی قرارداد، به جهت اجتناب از ورود سختی و مشقت به بایع است^{۲۶} زیرا اگر مشتری بتواند در صورت نقض غیراساسی قرارداد، بایع را به تعویض کالای تحویلی الزام نماید - مثلاً در صورت بروز عیبی کوچک - بایع باید هزینه‌هایی اضافی از جمله حمل‌ونقل را متحمل شود که قابل توجیه به نظر نمی‌رسد و لذا این ضمانت‌اجرا

20. Enderlein, Fritz, Maskow, Dietrich, *International Sales Law: United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods Convention on the Limitation Period in the International Sale of Goods*, Oceana Publications, 1st Edition, 1992, p.113.

21. CLOUT case No. 171 [Bundesgerichtshof, Germany, 3 April 1996]; CLOUT case No. 248 [Schweizerisches Bundesgericht, Switzerland, 28 October 1998].

22. <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/960403g1.html> ; <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/981028s1.html>

23. CLOUT case No. 248 [Schweizerisches Bundesgericht, Switzerland, 28 October 1998].

۲۴. برای دیدن رویه قضایی ن.ک:

CLOUT case No. 150 [Cour de Cassation, France, 23 January 1996] available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/960123f1.html>

CLOUT case No. 79 [Oberlandesgericht Frankfurt a.M., Germany, 18 January 1994] available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/940118g1.html>

۲۵. ن.ک:

CLOUT case No. 196 [Handelsgericht des Kantons Zürich, Switzerland, 26 April 1995]. available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/950426s1.html>

۲۶. جمعی از نویسندگان؛ همان، ص ۱۷۵.

منتفی است.^{۳۷} از دیگر سو، خریدار نیز در موقعیتی قرار می‌گیرد که چندان برایش خوشایند نیست زیرا اختیارش به مورد نقض اساسی قرارداد منحصر شده است، برخلاف قسمت (ج) بند ۱ ماده ۴۲ قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی (یو.سی.سی) که خریدار اختیار دارد یا کالای جانشین را تحویل بگیرد یا تقاضای تعمیر آن را بنماید، اعم از اینکه نقض اساسی صورت گرفته باشد یا خیر.^{۳۸} خریداری که درخواست کالای جانشین کرده است و مدت زمانی هم برای تحویل آن‌ها تعیین نموده است، به موجب ماده ۴۷ موظف به تبعیت از این طریقه جبران خسارت شده است. او نمی‌تواند در اثناء این دوره معین به طرق جبران خسارت دیگری متوسل شود مگر تقاضای ضرر و زیان وارده.^{۳۹}

ج. ارسال اخطار عدم مطابقت کالا به فروشنده

سومین شرط برای تسلیم کالای جانشین این است که درخواست بدل کالا از طریق اخطار موضوع ماده ۳۹ یا ظرف مدت معقولی پس از آن صورت گیرد. در صورتی که مشتری ظرف مدت متعارفی پس از اینکه عدم انطباق کالا را کشف کرد یا می‌بایست کشف می‌کرد، یادداشتی حاکی از تعیین نوع عدم انطباق جهت بایع ارسال نکند، حق او در استناد به عدم انطباق کالا ساقط می‌شود (بند ۱ ماده ۳۹). در هر حال، اگر مشتری ظرف دو سال از تاریخ تسلیم کالا، اخطار عدم مطابقت جهت بایع ارسال نکند، حق او در استناد به عدم انطباق ساقط می‌شود مگر اینکه این مهلت با دوره تضمین کالا که در قرارداد تعیین شده است، مغایر باشد (بند ۲ ماده ۳۹). در خصوص ماده ۳۹ توضیحاتی به شرح ذیل لازم است:

(۱) مهلت متعارف

در خصوص مهلتی که مشتری باید عدم مطابقت کالا را به اطلاع فروشنده برساند، آرای قضایی زیادی صادر شده است. این آرا متشتت و فاقد یکپارچگی است. در این آرا جهت اطلاع عدم انطباق کالا به فروشنده مهلت‌های گوناگونی لازم دانسته شده است که از اطلاع فوری تا وجود مهلتی طولانی پس از تاریخ تسلیم قابل دسته‌بندی است. وجه اشتراک آرای مزبور آن است که بار اثبات متعارف بودن مهلتی که طی آن خریدار، عدم انطباق کالا را به فروشنده اطلاع داده، بر

۲۷. مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه و تحقیق: بهروز اخلاقی

و فرهاد امام، شهر دانش، ۱۳۷۹، ص ۳۴۸.

۲۸. جمعی از نویسندگان؛ همان، ص ۱۷۵.

۲۹. پیشین.

دوش خریدار دانسته شده است.^{۳۰}

دسته نخست از آرای فوق بر آن‌اند که عدم انطباق باید بلافاصله یا ظرف مدت کوتاهی به فروشنده اطلاع داده شود. به‌عنوان مثال، یکی از محاکم دانمارک رأی داد که خریدار روسی گوشت ماهی باید عدم انطباق گونه‌هایی را که فروشنده نهایتاً تسلیم نموده، «فوراً» اطلاع دهد.^{۳۱} به همین ترتیب، یکی از محاکم بلژیک رأی داده است که لازم است خریدار هلندی تابلوهای نئون، عدم انطباق کالا را «ظرف مدت کوتاهی» به بایع اطلاع دهد.^{۳۲}

دسته دوم از آرای فوق بر آن‌اند تا مهلتی را که طی آن، خریدار باید عدم انطباق را به بایع اطلاع دهد، با مهلتی که طی آن باید مطابق ماده ۳۸ کنوانسیون بازرسی کالا صورت پذیرد، ارتباط دهند. به‌عبارت‌دیگر، اگر خریدار طبق ماده ۳۸ ملزم باشد فوری کالا را بازرسی کند، باید عدم انطباق را نیز فوراً اطلاع دهد. یکی از محاکم آلمان رأی داده است که خریدار آلمانی که از فروشنده‌ای ایتالیایی گل خریداری کرده، لازم بود فوراً کالا را بازرسی و فوراً عدم انطباق کالا را اطلاع دهد.^{۳۳}

دسته سوم از آرا برای اطلاع عدم انطباق، مهلت نامعلومی مقرر داشته‌اند که برحسب اوضاع واحوال متفاوت است. به‌عنوان مثال، برخی از محاکم آلمان و سوئیس از تاریخ تسلیم کالا، به خریدار، یک ماه مهلت داده‌اند که عیب یا نقص را به اطلاع بایع برساند. آرای مذکور، این مهلت یک‌ماهه را در مورد انواع کالاهای فاسدشدنی و غیرفاسدشدنی قابل اجرا دانسته است.^{۳۴} انصاف آن است که در تعیین مدت متعارف، به ماهیت کالا، ماهیت عیب، وضعیت طرفین و عرف تجاری توجه شود. همچنین این مدت باید به اندازه‌ای باشد که خریدار بتواند بین

۳۰. برای نمونه ن.ک:

OLG Koblenz, 3 O 212/97 Jul. 30, 1998, (F.R.G.), available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980730g1.html>.
DiMatteo, Larry. A., Dhooge, Lucien. J., Greene, Stephanie., G.Maurer, Virginia., Pagnattaro, Marisa. Anne. *International Sales Law: a Critical Analysis of CISG Jurisprudence*, New York: Cambridge University Press, 1st Edition, 2005, p.84.

۳۱. ن.ک:

Handelsagentur v. DAT-SCHAUB A/S, Mar. and Commercial Ct. of Copenhagen, n. H-0126-98, Jan. 31, 2002, (Den.) available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/020131d1.html>

۳۲. ن.ک:

Epsilon BVBA v. Interneon Valkenswaard BV, Rechtbank van Koophandel, Hasselt, n. AR 1972/96, Jan. 21, 1997, (Belg.) available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/970121b1.html>

۳۳. ن.ک:

OLG Saarbrücken, 1 U 703/97-143 June 3, 1998, (F.R.G.) available at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/980603g1.html>

۳۴. ن.ک:

OLG M`unchen, Forum des Internationalen Rechts 106-7, (F.R.G.) (textiles); OLG Th`uringener, OLGR Th`uringener 4-6 (F.R.G. 1998) (live fish); OLG Stuttgart, RIW, 943-44 (F.R.G. 1995) (machinery); AG Augsburg, n. 11 C 4004/95, (F.R.G. 1996), available at <http://www.jura.uni-freiburg.de/ipr1/cisg/urteile/text/172.htm> (shoes); OLG Kanton Luzern, 94 SJZ 515-18 (Switz.) 1998 (medical devices).

ضمانت‌اجرای تعمیر (بند ۳ ماده ۴۶) و تسلیم کالای جانسین (بند ۲ ماده ۴۶) فرصت انتخاب داشته باشد.

در صورتی که عیب یا نقص کالا، به گونه‌ای باشد که بایع به آن علم داشته و با زیرکی آن را از دید خریدار مخفی نگه داشته است، اعلام دیر هنگام عدم مطابقت، موجه خواهد بود.^{۳۵} بر این اساس، یکی از محاکم آلمان در مورد نوشتارهایی که فروشنده ایتالیایی عالمأ و عامداً با آب مخلوط کرده بود اعلام دیر هنگام عیب از سوی خریدار آلمانی را موجه شمرد.^{۳۶} بار ارائه دلیل در خصوص تقلب فروشنده یا علم فروشنده به عیب کالا بر عهده خریدار است.^{۳۷} همچنین مشتری باید به‌طور دقیق، نوع و ماهیت عدم مطابقت را به اطلاع فروشنده برساند.^{۳۸} لزوم دقیق بودن مفاد عدم انطباق از این حیث واجد اهمیت است که فروشنده از طریق آن مطلع می‌شود چه اقداماتی برای برطرف ساختن عیب یا نقص کالا لازم است و به وی این امکان را می‌دهد خود رأساً کالا را بازرسی کند.^{۳۹} بنابراین صرف اطلاع عدم انطباق برای ایفای تعهد قراردادی خریدار که در ماده ۳۹ آمده، کافی به حساب نمی‌آید.^{۴۰}

(۲) مهلت دو ساله

مفاد قاعده مذکور در بند ۲ ماده ۳۹ به این معناست که در صورت فقدان توافق مغایر، هیچ دعوی ناشی از عدم انطباق کالا (مخصوصاً دعوای راجع به عیوب مخفی) نمی‌تواند پس از دو سال از تاریخ تسلیم کالا، علیه بایع طرح شود. این مهلت دوساله، یک مهلت متحدالشکل است که به هر حال در مورد کالای موضوع قرارداد (خواه ماست باشد یا هواپیما) صادق است و اگر قاعده فوق متضمن این خطر باشد که صادرکنندگان میوه و سبزیجات را تا حدی بی‌تفاوت کند، در

35. DiMatteo, Larry. A., Dhooge, Lucien. J., Greene, Stephanie., G.Maurer, Virginia., Pagnattaro, Marisa. Anne. *International Sales Law: a Critical Analysis of CISG Jurisprudence*, New York: Cambridge University Press, 1st Edition, 2005, p.89.

۳۶. ن.ک:

LG Trier, 7 HO 78/95, Oct. 12, 1995, (F.R.G.) available at: <http://cisgw3.law.pace.edu/cisg/wais/db/cases2/951012g1.html>

۳۷. ن.ک:

Trib. [District Court] di Vigevano, n.405, July 12, 2000. available at <http://cisgw3.law.pace.edu/cases/000712i3.html>

38. Schlechtriem, Peter, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition, 1998, p.311.

39. DiMatteo, Larry. A., Dhooge, Lucien. J., Greene, Stephanie., G.Maurer, Virginia., Pagnattaro, Marisa. Anne. *International Sales Law: a Critical Analysis of CISG Jurisprudence*, New York: Cambridge University Press, 1st Edition, 2005, p.89.

۴۰. ن.ک:

LG Hannover, 22 O 107/93, Dec. 1, 1993, (F.R.G.) available at <http://www.unilex.info/case.cfm?pid=1%20&do=case&id=167&step=FullText>

عوض، برای فروشندگان کالاهای صنعتی جاذبه قابل ملاحظه‌ای دارد: وسایل مذکور پس از گذشت دو سال از تاریخ تحویل کالا، از هر تضمینی راجع به خسارات احتمالی ناشی از نقصان، عدم انطباق یا عیوبی که در تاریخ انتقال ریسک وجود داشته است، معاف خواهد بود (البته ضمن توجه به این نکته که طبق ماده ۵، خسارات ناشی از صدمات بدنی از قلمرو شمول کنوانسیون مستثنا است) و زمان آشکار شدن آن‌ها مؤثر در مقام نیست.^{۴۱}

۳) اثر ندادن اخطار

اگر مشتری اخطار عدم مطابقت را به بایع ندهد، حقوق ناشی از عدم مطابقت کالا را که کنوانسیون پیش‌بینی نموده، از جمله حق گرفتن خسارت (قسمت ب بند ۱ ماده ۴۵، مواد ۷۷-۷۴)، الزام به اجرای تعهد (بندهای سه‌گانه ماده ۴۶)، فسخ قرارداد (ماده ۴۹) و تقلیل ثمن (ماده ۵۰) را از دست خواهد دارد. در این صورت، بایع نمی‌تواند برای گرفتن ثمن به تهاتر استناد کند.^{۴۲} این قاعده سخت دو استثنا دارد:

استثنای اول: اطلاع بایع از عدم انطباق کالا (ماده ۴۰):^{۴۳}

استثنای دوم: داشتن عذر موجه در عدم اخطار به فروشنده (ماده ۴۴).^{۴۴}

د. مقدر بودن اعاده کالا برای مشتری

مطابق بند ۱ ماده ۸۲ اگر برای مشتری امکان اعاده کالا به همان وضعیتی که دریافت کرده است، وجود نداشته باشد، حق اعلام بطلان یا الزام بایع به تسلیم کالای جانشین را از دست خواهد داد. این قاعده به‌آسانی قابل توجیه است زیرا وقتی نهاد تسلیم کالای بدل، خریدار را ملزم به اعاده کالایی می‌کند که دریافت کرده است، نباید به او اجازه داد به هنگامی که قادر نیست آثار آن از جمله رد کالا را به مرحله اجرا بگذارد، به بایع چنین ضمانت‌اجرایی را تحمیل کند. این مطلب، اصلی است در حقوق کامن‌لا و به آن معنی نیست که کالا عیناً در همان وضعیتی باشد

41. Felemegas, John, *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Cambridge University Press, 1st Edition, 2007, p.145.

42. Honnold, John. O. *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International, 3rd Edition, 1999, p.281; Schlechtriem, Peter, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition, 1998, p.318.

43. ماده ۴۰ کنوانسیون: هرگاه عدم انطباق مربوط به اموری باشد که بایع نسبت به آن آگاه بوده یا نمی‌توانسته است ناآگاه باشد و آن را به اطلاع مشتری نرسانده باشد حق استناد به مقررات مواد ۳۸ و ۳۹ را نخواهد داشت.

44. ماده ۴۴ کنوانسیون: باوجود مقررات بند ۱ ماده ۳۹ و بند ۱ ماده ۴۳، در صورتی که مشتری برای عدم ارسال یادداشت لازم، عذر موجهی داشته باشد می‌تواند مطابق با ماده ۵۰، ثمن را تقلیل دهد یا مطالبه خسارت، به‌جز عدم‌انفع بنماید.

که تحویل شده، بلکه اگر در کل، همان وضعیت را داشته باشد، هرچند تغییرات جزئی نیز در آن رخ داده باشد، باز هم خریدار، حق جایگزینی کالا را خواهد داشت^{۴۵} زیرا همواره ممکن است کالای تسلیم‌شده در اثر استفاده عادی یا حتی گذر زمان، تازگی و طراوت اولیه‌اش را از دست بدهد. بنابراین اعاده کالا دقیقاً با همان وضعیت قبض، هیچ‌گاه یا دست‌کم در قریب به اتفاق موارد مقدور نیست. در واقع باید تغییرات جزئی ناشی از فرسودگی طبیعی کالا و گذشت زمان را مدنظر قرار داد و آن را مانع رد ندانست.^{۴۶}

نکته دیگر در مورد بند ۱ ماده ۸۲ این است که دعوی مشتری برای اخذ بدل و دعوی استرداد بایع چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا باید هم‌زمان اقدام شوند یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت باشد بدین معناست که مشتری تا وقتی که بایع به او پیشنهاد تسلیم بدل نداده، می‌تواند از اعاده مبیع امتناع کند و همین‌طور بالعکس، بایع وقتی می‌تواند پیشنهاد تسلیم بدل بدهد که مشتری برای اعاده مبیع به او، اعلام آمادگی کند.

به نظر می‌رسد این دو تعهد، هم‌زمان و وابسته به هم نیست. بند ۲ ماده ۸۱ کنوانسیون در تأیید این نظر می‌گوید «طرفی که تمام یا قسمتی از قرارداد را اجرا کرده است می‌تواند از طرف دیگر، اعاده آنچه را که به‌موجب قرارداد، تحویل یا تأدیه نموده طلب کند. چنانچه هر دو طرف ملزم به اعاده باشند باید هم‌زمان اقدام نمایند».^{۴۷}

قاعده کلی مندرج در بند ۱ ماده ۸۲ استثنائاتی نیز دارد. قلمرو و دامنه این استثنائات به حدی است که به قول برخی از مفسرین کنوانسیون می‌توان ادعا کرد جای استثنا و قاعده عوض شده است و استثنا بر اصل غالب است.^{۴۸} به‌موجب این استثنائات، در چند مورد، خریدار علی‌رغم عدم امکان رد کالا می‌تواند درخواست تسلیم کالای بدل نماید. این موارد عبارت‌اند از:

«الف) چنانچه عدم امکان اعاده کالا یا عدم امکان اعاده آن عمدتاً با همان وضعیتی که مشتری دریافت نموده است، ناشی از فعل یا ترک فعل وی نباشد؛

ب) چنانچه تمام یا قسمتی از کالا بر اثر بازرسی موضوع ماده ۳۸ از بین رفته یا در معرض نابودی قرار گرفته باشد یا

ج) چنانچه تمام یا قسمتی از کالا، پیش از اینکه مشتری عدم انطباق آن را کشف نماید یا

۴۵. جمعی از نویسندگان؛ همان، ص ۱۶۶؛ صفایی و دیگران؛ همان، ص ۴۰۸.

46. Kritzer, Albert. H., *Guide to Practical Applications of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1st Edition, 1989, p.352.

47. See, Honnold, John. O. *Documentary History of the Uniform Law for International Sales*, The Hague: Kluwer Law International Pub, 1989, p.708; Huber, Peter, Mullis, Alastair, *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.201.

48. Enderlein, Frit, and Maskow, Dietrich, *International Sales Law: United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods Convention on the Limitation Period in the International Sale of Goods*, Oceana Publications, 1st Edition, 1992, p.346.

می‌بایست کشف می‌کرد، در جریان عادی کسب وی فروخته شده یا در جریان عادی استفاده مشتری مصرف شده یا تغییر شکل داده باشد» (بند ۲ ماده ۸۲).

۱-۲. قلمرو درخواست تسلیم کالای جانشین

در مورد درخواست تسلیم کالای جانشین این سؤال مطرح می‌شود که درخواست مزبور در جایی که مبیع، عین معین باشد، قابل طرح است یا محدود به موردی است که مبیع کلی باشد. در ذیل به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

الف. مبیع در حالت عین معین

در فرضی که مبیع عین معین است، فروشنده باید صرفاً همان کالا را تسلیم کند. عدم انطباق در مبیع عین معین در دو فرض قابل بحث است:

(۱) تسلیم مبیع معین معیّب

به فرض مبیع، محموله خاصی از ماشین باشد و این محموله معیّب درآید، تسلیم کالای جانشین ممکن نیست زیرا طرفین، قرارداد خود را بر کالای مشخصی منعقد کرده‌اند. ماشین‌هایی غیر از آنچه توسط مشتری انتخاب شده است، نمی‌تواند مبیع قراردادی قرار گیرد که او منعقد کرده است و بنابراین بایع نمی‌تواند غیر از آن را به‌عنوان بدل تسلیم مشتری کند.^{۴۹} برخی از نویسندگان^{۵۰} معتقدند که در فرض مبیع معین، بایع می‌تواند کالایی که از لحاظ اقتصادی با مبیع قراردادی معادل است به‌عنوان بدل تسلیم کند. اما این نظر نباید پذیرفته شود زیرا هدف نهاد تسلیم کالای جانشین که در کنوانسیون ابداع شده، احترام به قرارداد و تضمین بقای آن است. اگر قرار باشد طرفین بر تسلیم کالایی دیگر غیر آنچه در قرارداد اصلی مدنظر آن‌ها بوده توافق کنند، در قالب قرارداد جدید یا درخواست اجرای عین قرارداد (بند ۱ ماده ۴۶) امکان‌پذیر است و نه در

49. Huber, Peter, Mullis, Aalastair, *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.202; Jafarzadeh, M. G. "Buyer's Right to Specific Performance - A Comparative Study Under English Law, the Convention on Contracts for the International Sale of Goods 1980, Iranian and *Shi'ah* Law", 2001, available online at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/jafarzadeh.html#ciip13>; Schlechtriem, Peter, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition, 1998, p.382; Felemegas, John, *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Cambridge University Press, 1st Edition, 2007, p.376; Kritzer, A. H. "General Observations on Use of the UNIDROIT Principles to Help Interpret the CISG", 1999, available online at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/matchup/general-observations.html>

50. Müller-Chen in: Schlechtriem, Peter, and Schwenger, Ingeborg, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, New York: Oxford, 2nd edition, 2005, Art. 46, para. 18.

قالب نهاد تسلیم کالای جانشین.^{۵۱}

۲) تسلیم کالای دیگر، غیر از مبیع معین^{۵۲}

اما در یک فرض امکان تسلیم کالای جانشین در فرض مبیع معین وجود دارد و آن در حالتی است که بایع، کالایی دیگر غیر آنچه بر آن توافق شده، تسلیم مشتری نماید. در این فرض، تسلیم کالای دیگر غیر از مبیع معین، نقض اساسی قرارداد است و مشتری می‌تواند برای تحویل کالای قراردادی، به نهاد تسلیم کالای جانشین متوسل شود.^{۵۳}

ب. مبیع کلی

در فرضی که مبیع، کالایی کلی است، بایع باید مصداقی از کلی را تسلیم کند که مطابق قرارداد باشد. اگر کالایی غیرمطابق تسلیم مشتری شد، در حقیقت بایع به تعهد قراردادی خود عمل نکرده است. از این باب است که مشتری می‌تواند الزام بایع را به تحویل کالای بدل درخواست نماید.^{۵۴} البته این در صورتی قابل پذیرش است که سایر شرایط مندرج در بند ۲ ماده ۴۶ جمع باشد.

در این فرض، عدم انطباق هم شامل موردی می‌شود که کالا معیّب باشد و هم شامل موردی می‌شود که کالا متصف به اوصاف قراردادی نباشد و هم شامل موردی می‌شود که کالای تسلیمی از نوع دیگر است.

باید متذکر شد که در فرض مبیع کلی، مشتری می‌تواند کالای معیّب یا غیرمطابق را اعاده نکند بلکه از بایع، تعمیر و اصلاح عدم انطباق را خواستار شود.^{۵۵}

۱-۳. هزینه و مکان تسلیم کالا

کنوانسیون در مورد این سؤال که «هزینه تسلیم کالای جانشین را چه کسی باید متحمل شود؟»

۵۱. لازم به ذکر است در فرض مبیع معین معیّب، امکان توسل به بند ۳ ماده ۴۶ (تعمیر کالا) نیز وجود ندارد (ن.ک: اصغری آقمشهدی، فخرالدین و علی محمدزاده؛ «بررسی تطبیقی حق درخواست تعمیر کالا از سوی خریدار در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۹، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۳۲).

52. Aliud

53. Huber, Peter, Mullis, Aalastair. *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.202.

54. Schlechtriem, Peter, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition, 1998, p.382.

55. Will in: Bianca and Bonell, *Commentary on the International Sales Law: The 1980 Vienna Sales Convention*, Milan: Giuffrè, 1st Edition, 1987, p.336.

نص صریحی ندارد. اما برخی از مفسرین^{۵۶} با استفاده از بند ۱ ماده ۴۸ گفته‌اند که هزینه‌های تسلیم کالای جانشین را باید با بایع پردازد. بند ۱ ماده ۴۸ مقرر می‌دارد که «با رعایت ماده ۴۹، بایع می‌تواند حتی پس از موعد تسلیم، هر نوع قصور در ایفای تعهد را به هزینه خود جبران نماید».

نکته بعدی این است که کالای جانشین باید در چه مکانی تسلیم شود؟ برخی از نویسندگان^{۵۷} معتقدند که تسلیم کالای جانشین باید در جایی صورت گیرد که کالای غیرمطابق ابتدا آنجا تسلیم شده بود. به نظر می‌رسد تعیین محل اجرای تعهد جانشین مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون، دیدگاه متقاعدکننده‌تری است.^{۵۸} در جایی که قرارداد بیع، متضمن حمل کالا باشد، مطابق قسمت (الف) ماده ۳۱ کنوانسیون، تعهد به تسلیم کالای جانشین عبارت است از تحویل کالا به اولین مؤسسه حمل‌ونقل جهت ارسال به مشتری. مطابق ماده ۳۱ کنوانسیون، نحوه اجرای تعهد بایع در رابطه با تسلیم کالا در وهله اول، طبق توافق طرفین است.^{۵۹} بنابراین مکان تسلیم کالا در وهله نخست تابع قرارداد است.

باید متذکر شد که مشتری می‌تواند برای خسارت ناشی از حمل کالا به مقصد به‌موجب بند ۱ ماده ۴۵ و ماده ۷۴ کنوانسیون اقدام کند.

۱-۴. انتخاب بین اخذ بدل و تعمیر کالا

در حالتی که مبیع معیوب باشد، با جمع شرایط بند ۲ ماده ۴۶ مشتری این حق را دارد که بدل مبیع را طلب کند.^{۶۰} حال ممکن است بایع در پاسخ مشتری طبق بند ۳ ماده ۴۶ کنوانسیون اعلام کند که برای رفع عیب و اصلاح و تعمیر مبیع آماده است. سؤال این است که در این صورت آیا باید حکم به تسلیم کالای جانشین داد یا حکم به رفع نقص؟

56. Müller-Chen in: Schlechtriem, and Schwenzer, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, New York: Oxford, 2nd edition, 2005, Art. 46, para. 36; Huber and Mullis, *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.202; Schlechtriem, *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition, 1998, p.391.

57. Magnus in: Huber, Peter, Mullis, Alastair, *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.203.

58. Huber in: Huber, Peter, Mullis, Alastair, *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.203.

۵۹. صفایی، حسین، مرتضی عادل، محمود کاظمی و اکبر میرزائزاد؛ حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و مقایسه آن با مقررات بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده امریکا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶.

۶۰. برخلاف تسلیم کالای جانشین، درخواست تعمیر یا اصلاح مبیع مشروط به اثبات نقض اساسی قرارداد نیست. ولی در فرض نقض اساسی قرارداد، مشتری می‌تواند از بایع بخواهد به جای تسلیم کالای جانشین، مبیع را تعمیر کند. یعنی در فرض نقض اساسی، مشتری می‌تواند هم تسلیم بدل را بخواهد (بند ۲ ماده ۴۶) و هم تعمیر مبیع (بند ۳ ماده ۴۶).

در واقع، در صورت برخورد بند ۲ ماده ۴۶ با بند ۳ ماده ۴۶ چه باید کرد؟ در این‌باره بحث‌های فراوانی صورت گرفته است.^{۶۱} در نگاه نخست، ممکن است چنین به نظر آید که مشتری بین اخذ بدل و رفع نقص، مخیر است و اوست که باید دست به انتخاب بزند^{۶۲} زیرا او نسبت به بایع در موقعیت بهتری قرار دارد تا تشخیص دهد که آیا کالای تعمیرشده اهداف قراردادی او را تأمین می‌کند یا کالای جانشین. برای مثال، جایی که تعمیر، کالا را به همان کیفیت روز اول باز نمی‌گرداند، ترجیح می‌دهد تا بدل مبیع را دریافت کند.^{۶۳}

اما با ملاحظه ماده ۴۸ یا ۳۷ دیدگاه نخست رنگ می‌بازد. ماده ۴۸ به بایع این حق را می‌دهد که پس از موعد تسلیم، هر نوع نقص در ایفای تعهد را به هزینه خود جبران کند. ماده ۳۷ نیز به بایع این حق را می‌دهد تا اگر کالا را پیش از موعد، تسلیم کرده است، تا فرارسیدن موعد، عدم انطباق در کالای تسلیمی را مرتفع سازد. بنابراین، با لحاظ این دو ماده، بایع می‌تواند با تعمیر کالا، عدم انطباق را رفع کند. برخی از نویسندگان برای تقویت این دیدگاه یک استدلال اقتصادی را نیز مطرح کردند. هابر و مولیس می‌گویند: «این بایع است که باید هزینه‌ها و ریسک عدم اجرای تعهد را تحمل کند. بنابراین منطقی است تا به او حق داده شود تا از بین چند روش جبران خسارت، یکی را انتخاب کند».^{۶۴}

پذیرش هر یک از این دو دیدگاه، ترجیح بلامرجه است. از این‌رو باید متوسل به قاعده انصاف شد. انصاف حکم می‌کند راه‌حلی ترجیح دارد که هزینه و مدت اجرای آن کمتر باشد و بهتر بتواند توقعات قراردادی طرفین را برطرف کند. انصاف حکم می‌کند، اخذ بدل در جایی ضمانت‌اجرای نقض تعهد بایع باشد که عدم انطباق کالا با اوصاف قراردادی، جدی باشد زیرا در این فرض، تعمیر کالا، وضع خریدار را بهتر نمی‌کند. همین‌طور انصاف حکم می‌کند در جایی که عدم انطباق کالا، چندان جدی نیست که نتوان با تعمیر آن را جبران کرد، تعمیر کالا ضمانت‌اجرای نقض تعهد بایع باشد. در عمل، اگر بایع تعمیر کالا را تضمین کند، طرف قرارداد معمولاً آن را ترجیح می‌دهد.

۲. تسلیم کالای جانشین در حقوق ایران

برای تبیین رویکرد حقوق ایران نسبت به تسلیم کالای جانشین باید بین فرضی که مبیع کلی فی‌الذمه است و حالتی که کالا به‌صورت عین معین مورد بیع قرار می‌گیرد، تمیز قائل شد:

61. See, Mak, Vanessa, *Performance-Oriented Remedies in European Sale of Goods Law*, Oregon: Oxford And Portland, 1st Edition, 2009, p.115-149.

62. Schlechtriem, Peter, Butler, Petra, *UN Law on International Sales*, Berlin: Springer Pub, 1st Edition, 2009, p.141.

63. Mak, Vanessa. *Performance-Oriented Remedies in European Sale of Goods Law*, Oregon: Oxford And Portland, 1st Edition, 2009, p.127-128.

64. Huber, Peter, Mullis, Alastair, *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1st Edition, 2007, p.204.

۲-۱. مبیع عین معین

به‌طور کلی تعهد به تسلیم، اثر عقد و الزام متعهد ناشی از خود عقد است.^{۶۵} بنابراین، او باید تعهد خویش را چنان‌که بر عهده گرفته است انجام دهد و تسلیم نماید.

در صورتی‌که موضوع تسلیم، عین معین باشد، بایع باید آن را همان‌طور که در عقد بیع توصیف و تشریح شده است به خریدار تسلیم نماید و مسئول هرگونه عیب و کسر و نقصان در مبیع نیز هست. هیچ چیز نمی‌تواند جانشین مبیع عین معین شود حتی اگر مرغوب‌تر و گران‌بها تر باشد. تبدیل مبیع به مالی دیگر، جز به تراضی امکان ندارد.^{۶۶} از مفهوم مخالف مواد ۴۱۴،^{۶۷} ۴۸۲^{۶۸} و همچنین از مواد ۴۳۷^{۶۹} و ۴۳۹ ق.م. برداشت می‌شود در فرضی که مورد معامله عین معین است، همان عین موضوعیت دارد و قابل تبدیل به کالایی دیگر نیست.

اگر مبیع معین، مطابق اوصاف قرارداد نباشد، برای مشتری اختیار فسخ قرارداد به استناد خیار تخلف وصف (ماده ۴۱۰ ق.م.) و خیار رؤیت (مواد ۴۱۱، ۴۱۲ و ۴۱۳ ق.م.) وجود دارد.

اگر عدم مطابقت کالا به دلیل وجود عیب و نقص در کالا باشد مشتری دو اختیار دارد: قبول مبیع با اخذ ارش یا فسخ معامله (ماده ۴۲۲ ق.م.). قسمت اخیر ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ نیز مقرر می‌دارد: «...اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است». البته مشتری در موارد زیر فقط می‌تواند ارش بگیرد و حق فسخ ندارد: تلف و انتقال مبیع (بند ۱ ماده ۴۲۹ ق.م.)، تغییر مبیع (بند ۲ ماده ۴۲۹ ق.م.) و عیب حادث در مبیع (بند ۳ ماده ۴۲۹ ق.م.).

بنابراین، در جایی‌که مبیع معین مطابق اوصاف معهود طرفین نباشد یا معیب درآید، مشتری

۶۵. کاتوزیان، ناصر؛ نظریه عمومی تعهدات، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۸۶، صص ۷۶-۷۲.

۶۶. کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تملیکی، چاپ هشتم، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰؛ سنهوری، عبدالرزاق. احمد؛ انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه: علیرضا امینی و همکاران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا، ص ۲۵۲؛ خوبی، ابوالقاسم، منهای الصالحین، جلد ۲، چاپ بیست‌وهشتم، نشر مدینه‌العلم، ۱۴۱۰ ه.ق، قم، ص ۸۵؛ یزدی، محمدکاظم؛ العروه الوثقی، جلد ۲، چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹، ص ۵۸۷.

۶۷. در بیع کلی، خیار رؤیت نیست و بایع باید جنسی بدهد که مطابق با اوصاف مقرر بین طرفین باشد.

۶۸. اگر مورد اجاره عین کلی باشد و فردی که موجر داده معیوب درآید، مستأجر حق فسخ ندارد و می‌تواند موجر را مجبور به تبدیل آن نماید و اگر تبدیل آن ممکن نباشد، حق فسخ خواهد داشت.

۶۹. از حیث احکام عیب، ثمن شخصی مثل مبیع شخصی است.

۷۰. اگر بایع تدلیس نموده باشد، مشتری حق فسخ بیع را خواهد داشت و همچنین است بایع نسبت به ثمن شخصی در صورت تدلیس مشتری.

حق درخواست کالای جانشین را از بایع ندارد. البته باید توجه داشت که اگر مبیع، عین معین بوده و عدم انطباق، اساسی و منجر به تفاوت صورت نوعیه کالای تسلیم‌شده با مفاد قرارداد شود، معامله باطل است (ماده ۳۵۳ ق.م.) و پرداخت بدل آن به مشتری منجر به داراشدن ناعادلانه وی می‌شود.

اگر بایع، کالایی غیر از آنچه در قرارداد معین شده، تسلیم کند، تسلیم کالا از نوع دیگر صورت گرفته و بایع به تعهد خود عمل نکرده است و از این‌رو مشتری می‌تواند الزام وی به اجرای تعهد را بخواهد و در صورت عدم امکان، حق فسخ دارد.^{۷۱}

۲-۲. مبیع کلی فی‌الذمه

در صورتی که مبیع، کلی باشد خریدار طلبکار است. در این فرض، همه افراد مبیع می‌تواند موضوع دادوستد قرار گیرد. حال اگر مبیع کلی، معیب یا غیرمطابق با اوصاف قراردادی درآید، بایع می‌تواند فرد دیگری انتخاب و تسلیم کند. وی در انتخاب مصداق مبیع آزاد است یعنی مجبور نیست از فرد اعلائی کلی ایفا کند لیکن نمی‌تواند مصداقی را برگزیند که عرفاً معیب است (ماده ۲۷۹ ق.م.). باین‌حال، طرفین می‌توانند در قرارداد، خلاف این را شرط کنند. بنابراین، هیچ‌گاه تسلیم کالای مورد توافق غیرممکن نمی‌شود.

فی‌الواقع، در مبیع کلی که اجبار متعهد به تسلیم مصداق سالم مورد معامله امکان دارد، حذف نیروی اجبارکننده عقد با قواعد حاکم بر قراردادها منافات دارد. خیار عیب تنها در صورتی احترازناپذیر است که این اجبار (تبدیل به مصداق سالم) ممکن نباشد.^{۷۲} ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز مقرر می‌دارد که «اگر موضوع معامله کلی باشد، در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین‌شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند». البته قید «صرفاً» در این ماده زائد است زیرا مسلم است که در فرض مبیع کلی، امکان توسل مشتری به فسخ یا اخذ ارض وجود ندارد.

بنابراین، در صورت معیوب‌درآمدن مبیع کلی و عدم مطابقت آن با اوصاف معهود، مشتری حق فسخ قرارداد را ندارد اما می‌تواند بایع را ملزم به تسلیم کالای مطابق با قرارداد کند (مستفاد از مواد ۴۱۴ و ۴۸۲ ق.م.). این اقدام در راستای اجرای عین قرارداد است نه درخواست کالای جانشین در مفهوم کنوانسیون.

۷۱. صفایی و دیگران؛ همان، صص ۲۴۴-۲۴۳

۷۲. کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، چاپ پنجم (ویرایش جدید). تجدیدنظر شده، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، صص ۲۴۸-۲۴۷.

نتیجه

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در راستای سیاست کلی خود دائر بر پیشگیری از مرگ قرارداد و تضمین بقای آن، نهاد تسلیم کالای جانشین را وضع کرده است. هنگامی که مبیع مطابق با قرارداد نباشد و این عدم انطباق، نقض اساسی قرارداد باشد، بند ۲ ماده ۴۶ کنوانسیون به مشتری حق اخذ کالای جانشین را می‌دهد. تسلیم کالای جانشین از مصادیق اجرای اجباری عین قرارداد (بند ۱ ماده ۴۶ کنوانسیون) است. در جایی که مبیع، کالایی خاص است که خصوصیات آن کالا در تسلیم، نقش اساسی دارد، مشتری حق درخواست تسلیم کالای جانشین را ندارد. لیکن در فرضی که مبیع معین است ولی کالایی دیگر تحویل مشتری شده است یا در فرض مبیع کلی، امکان درخواست تسلیم کالای جانشین برای مشتری مقدور است.

- در حقوق ایران، با استقرا در مواد قانون مدنی و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، نهاد تسلیم کالای جانشین به مفهوم مندرج در کنوانسیون وجود ندارد. هرچند تسلیم کالای جانشین در فرض مبیع کلی فی‌الذمه یا فرضی که کالایی از نوع دیگر تحویل شده است، در راستای اجرای عین قرارداد پذیرفته شده است.

- شایان ذکر است که سیستم حقوقی ایران در پیوستن به کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، از حیث موضوع مورد مطالعه با مانع عمده‌ای روبه‌رو نیست.

منابع:

- فارسی

- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و فرشته اسکندری؛ «مطابقت حقوقی کالا با قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران»، حقوق مدنی تطبیقی، به قلم گروهی از نویسندگان، چاپ دوم، سمت، ۱۳۸۸.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و علی محمدزاده؛ «بررسی تطبیقی حق درخواست تعمیر کالا از سوی خریدار در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۹، زمستان ۱۳۸۷.
- پلانتار، ژان‌پی‌یر؛ «حقوق جدید متحدالشکل بیع بین‌المللی»، ترجمه: ایرج صدیقی، مجله حقوقی، ش ۱۴ و ۱۵، بهار و زمستان ۱۳۷۰.
- جمعی از نویسندگان؛ تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، ترجمه: مهرباب داراب‌پور، ج ۲ و ۳، گنج دانش، ۱۳۷۴.
- خوبی، ابوالقاسم؛ منهاج‌الصالحین، جلد ۲، چاپ بیست‌وهشتم، نشر مدینه‌العلم، قم، ۱۴۱۰.
- سنه‌وری، عبدالرزاق احمد؛ انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه: علیرضا امینی و همکاران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا.
- صفایی، حسین، مرتضی عادل، محمود کاظمی و اکبر میرزائزاد؛ حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی: بررسی کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ و مقایسه آن با مقررات بیع در حقوق ایران، فرانسه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر؛ حقوق مدنی: معاملات معوض - عقود تملیکی، چاپ هشتم، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر؛ نظریه عمومی تعهدات، چاپ چهارم، میزان، ۱۳۸۶.
- کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادهای انحلال قرارداد، جلد ۵، چاپ پنجم (ویرایش جدید، تجدیدنظرشده)، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی؛ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، ترجمه و تحقیق: توسط بهروز اخلاقی و فرهاد امام، شهر دانش، ۱۳۷۹.
- میرزائزاد، اکبر؛ «تأثیر درخواست تعمیر کالا از سوی فروشنده در اعمال حق فسخ خریدار»، پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، سال اول، ش اول، تابستان ۱۳۸۵.
- یزدی، محمد کاظم؛ العروه الوثقی، جلد ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.

– لاتین

- Bianca, C. M., Bonell, Michael Joachim, (1987). *Commentary on the International Sales Law: The 1980 Vienna Sales Convention*, Milan: Giuffrè, 1nd Edition.
- DiMatteo, Larry. A., Dhooge, Lucien. J., Greene, Stephanie., G. Maurer, Virginia., Pagnattaro, Marisa. Anne. (2005). *International Sales Law: a Critical Analysis of CISG Jurisprudence*, New York: Cambridge University Press, 1nd Edition.
- Enderlein, Fritz, Maskow, Dietrich (1992). *International Sales Law: United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods Convention on the Limitation Period in the International Sale of Goods*, Oceana Publications, 1nd Edition.
- Enderlein, Fritz, Maskow, Dietrich, (1991). *Internationales Kaufrecht*, Berlin: Haufe Pub, 1nd Edition.
- Felemegas, John, (2007). *An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Cambridge University Press, 1nd Edition.
- Flechtner, Harry. M. (1988). “Remedies under the New International Sales Convention: The Perspective from Article 2 of the U.C.C.”, *Journal of Law and Commerce*, vol. 8, pp. 53-108.
- Honnold, John. O. (1989). *Documentary History of the Uniform Law for International Sales*, The Hague: Kluwer Law International Pub.
- Honnold, John. O. (1999). *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, The Hague: Kluwer Law International, 3rd Edition.
- Huber, Peter, Mullis. Alastair (2007). *The CISG: A New Textbook for Students and Practitioners*, Germany: Sellier European Law Publishers, 1nd Edition.
- Jafarzadeh, Mirghasem (2001). “Buyer's Right to Specific Performance - A Comparative Study Under English Law, the Convention on Contracts for the International Sale of Goods 1980, Iranian and *Shi'ah* Law”, available online at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/jafarzadeh.html#ciip13>
- Kritzer, Albert. H. (1999). “General Observations on Use of the UNIDROIT Principles to Help Interpret the CISG”. available online at <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/matchup/general-observations.html>
- Kritzer, Albert. H. (1989). *Guide to Practical Applications of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Kluwer Law and Taxation Publishers, 1nd Edition.
- Mak, Vanessa. (2009). *Performance-Oriented Remedies in European Sale of Goods Law*, Oregon: Oxford And Portland, 1nd Edition.

- Schlechtriem, Peter, (1986). *Uniform Sales Law - The UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Vienna: Manz Pub, 1nd Edition.
- Schlechtriem, Peter, (1998). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, Translated by Geoffrey Thomas, Oxford University Press, 2nd Edition.
- Schlechtriem, Peter, Butler, Petra, (2009). *UN Law on International Sales*, Berlin: Springer Pub, 1nd Edition.
- Schlechtriem, Peter, Schwenger, Ingeborg (2005). *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, New York: Oxford, 2nd edition.
- *UNCITRAL Digest of case law on the United Nations Convention on the International Sale of Goods*, (2004), A/CN.9/SER.C/DIGEST/CISG/46.
- <http://www.cisg.law.pace.edu>
- <http://www.unilex.info>